

نشست نقد کتاب "جریان شناسی دیدگاه‌ها و رویکردهای وحدت و تقریب مذاهب اسلامی"



با همکاری و مشارکت پژوهشگاه مطالعات تقریبی و مجمع جهانی اهل بیت (ع) و انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه و دانشگاه ادیان و مذاهب نشست علمی نقد کتاب "جریان‌شناسی دیدگاه‌ها و رویکردهای وحدت و تقریب مذاهب اسلامی" نوشته حجج اسلام مهدی عزیزی و خلیل عالمی از آثار و منشورات پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تاریخ شنبه ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲ ظهر در سالن جلسات امام موسی صدر(ره) دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی برگزار گردید. ناقدان این جلسه آقایان حجج اسلام دکتر ابوالحسن نواب و دکتر مهدی فرمانیان بودند.

ارائه: نویسنده کتاب، آقای حاجت‌الاسلام مهدی عزیزی

ناقدین: آقایان حجج اسلام دکتر سید ابوالحسن نواب و دکتر مهدی فرمانیان

نویسنده کتاب: حجت‌الاسلام مهدی عزیزی

در این نشست ابتدا نویسنده کتاب، جناب حجت‌الاسلام عزیزی به توصیف و معرفی کتاب پرداخت. وی گفت: خوشحالم که پس از سه سال که از تألیف این کتاب می‌گذرد، این اثر به زینت طبع آراسته شد. ابتدا بنا بود این اثر در قالب دو مجلد چاپ شود. یک جلد رویکردهای فقهی و کلامی که این حقیر آن را انجام دادم و یک جلد رویکردهای سیاسی و اجتماعی تقریب مذاهب که توسط جناب آقای دکتر عالمی تهیه شد. لکن به صلاحدید پژوهشگاه مطالعات تقریبی این اثر به صورت تلفیقی چاپ شد؛ لذا بعضی از جاهای این اثر قلم بنده نیست و تلفیقی است که نویسنده سومی جهت تلفیق اعمال کرده است. سرفصل‌هایی که متعلق به بنده و دکتر عالمی هست را اشاره می‌کنم. از آنجایی که یک اثر که جامع تمام نظرات در مورد وحدت و تقریب و ارزیابی در مورد آنها باشد ندیدیم، این طرح پژوهشی در پژوهشگاه مطالعات تقریبی به گروه مطالعات سیاسی اجتماعی پژوهشگاه ارائه گردید و ما که در آن گروه فعالیت داشتیم موظف به نگارش این اثر شدیم. ما در چهار رویکرد اصلی کلامی، فقهی، سیاسی و اجتماعی نظرات مختلف را گردآوری کردیم.



در ادامه جلسه جناب حجت‌الاسلام نواب ضمن تمجید از کتاب و نویسنده آن گفتند: علاقه بنده به تقریب

بسیار زیاد است و دست کسی که در این باره بنویسد را می‌بوسم. این کتاب اثر خوبی است و از نظر من نمره قبولی دارد؛ اما نکاتی که جهت تکمیل کار باید ملاحظه شود را عرض می‌کنم. همان‌طور که نویسنده محترم گفتند بنا بوده این کتاب دو جلد باشد و به نظرم همان درست بوده؛ منتهی در کتاب موجود ایشان باید رویکرد فقهی و کلامی وحدت را مدون و منقح و مفصل بنویسد. این کتاب باید جریانات را از هم تفکیک می‌کرد. در این کتاب اصلاً به کتاب مصطفی شেকে که کتاب قطوری در موضوع اسلام بلا مذاهب است و یکی از جریان‌های وحدتی در جهان اسلام می‌باشد، اصلاً ارجاع داده نشده و حتی نامی از آن نیآورده است. همچنین سرگذشت و سرنوشت تقریب را لازم بود تبیین نماید. پیشینه باید کامل ذکر می‌شد در حالی‌که از زمان نادرشاه شروع کرده است؛ در حالی‌که در زمان همه حکومت‌ها به مسئله وحدت شیعه و سنی پرداخته شده است. بررسی عملکرد حکومت‌ها و بزرگان دینی در وحدت، بسیار مهم است و در این کتاب ذکر نشده. در بخش راهبردهای تقریب چند جا نام دبیرکل مجمع آورده شده؛ در حالی‌که نظر دبیرکل موجود و راهبردهای ایشان و مجمع تقریب در مانیفست مجمع باید ذکر شود نه در یک اثر علمی.



پس از بیانات آقای نواب آقای فرمانیان نقدهای خوشه‌ها نسبت به کتاب بیان داشتند و گفتند ابتدا به

نوبه خود از پژوهشگاه مطالعات تقریبی و نویسندگان این اثر تقدیر و تشکر می‌کنم. جای کتاب جریان‌شناسی وحدت و تقریب حقیقتاً خالی بود. قبل از این کتاب فقط دو مقاله داشتیم که متعلق به مرحوم واعظ‌زاده و آقای مهریزی بودند. البته آقای حسن بشارتی هم دو مقاله در این موضوع دارد؛ ولی

خیلی قوی وارد نشده است. معلوم است که در اثر مورد بحث از مقاله مرحوم واعظ زاده استفاده کرده اند.



تقریب و وحدت را بررسی کرده اند. برای رویکرد سیاسی پنج نظریه را مطرح کرده اند: نظریه حکومت واحد، اتحاد جماهیر اسلامی، رهبر واحد، اتحادیه جهان اسلام و پیمان‌های مشترک. در بحث رویکردهای اجتماعی فقط یک نظریه با عنوان تعایش سلمی و در بخش رویکردهای کلامی چهار نظریه تکثرگرایی با بحث روشنفکری، تبیین موارد اختلاف با مباحث علمی، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام و اسلام بلا مذاهب یا گذر از مذاهب را مطرح کردند. در بحث رویکردهای فقهی سه نظریه معذرت فقهی، فقه مقارن و فقه شعائری را مطرح کردند. کلاً در این کتاب تقسیم بندی خوبی را ارائه کرده اند. استدلالی بحث کردن، منابع خوب، قلم خوب و روان و دقت در محتوا از ویژگی‌های این اثر است که جای تقدیر و تشکر دارد.

اما نقدهای کلی که می‌توان به این کتاب وارد دانست عبارت است از:

بخش اجتماعی سیاسی بسیار تفصیلی و زیاده نویسی و اطناب دارد و بخش کلامی فقهی آن اختصار مغل دارد و باید بازبینی شود. نود و سه صفحه کلیات دارد و از آن به بعد وارد

مفاهیم می‌شود و این مقدار کلیات زیاد است و در همان کلیات بعضی از مسائل منقح نشده است. بحث سیاسی به هم ریخته است. نظریات جدا و صاحبان نظریه جدا و ادله نظریات جدا آورده شده در حالی که اگر هر نظریه با صاحب نظرانش و ادله آنها یک جا می‌آمدند موجب تشویش نمی‌شد. تشابه و تداخل در نظریه‌های سیاسی وجود دارد و به مطابقت‌ها توجه کافی نشده است. حکومت واحده با رهبری واحد عملاً یکی هستند؛ ولی به عنوان دو نظریه آورده‌اند. اتحاد جماهیر با اتحادیه جهان اسلام یکی هستند؛ ولی باز تحت دو نظریه ذکر شده‌اند. پیشینه تحقیق خوب است؛ ولی ضعیف است. مثلاً بهترین پیشینه تقریب را مرحوم واعظ زاده نوشته‌اند؛ ولی با اینکه عناوین ذکر شده در کتاب همان عناوین مرحوم واعظ زاده است، نامی از ایشان در پیشینه برده نشده است. به نظریه امام خمینی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله واعظ زاده، آیت‌الله تسخیری، آیت‌الله جناتی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله مبلغی و آیت‌الله بی‌آزار شیرازی بی‌توجهی شده. بزرگانی چون آیت‌الله تسخیری و آیت‌الله واعظ زاده در این کتاب گم هستند؛ ولی در مقابل شخصی مثل اصغر افتخاری که فقط یک مقاله در مورد تقریب نوشته است به عنوان صاحب نظریه ذکر می‌شود. انتساب برخی نظریه‌ها به افراد به شکل نادرست انجام شده است؛ مثلاً: در بحث رویکرد اجتماعی، تعایش سلمی را بدون هیچ سند و مدرکی به مقام معظم رهبری نسبت داده و آن را مبنای جمهوری اسلامی معرفی کرده است و در نتیجه گیری نیز همین مطلب را آورده است؛ در حالی که چنین نیست. یا محمد عبده و رشید رضا را در جریان تقریب سیاسی قرار داده است در صورتی که دلیل جدا شدن محمد عبده از سید جمال اسدآبادی همین دیدگاه سیاسی بود. یا رشید رضا که صاحب نظریه معذرت فقهی است نامی از او در آن دیدگاه ذکر نکرده‌اند. در برخی موارد به جای اینکه استدلال صاحبان نظریه‌ها را ذکر کنند، خودشان ادله‌ای برای نظریه آنها آورده‌اند. در نتیجه گیری گفته‌اند تعایش سلمی بهترین گزینه و نظریه در باب وحدت و تقریب است. در حالی که تعایش سلمی پایین‌ترین مرحله وحدت و تقریب است.